روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۱ • ۹ رجب ۱۴۴۴ • ۳۱ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۸۶ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی در چرخه تکراری و ۲۰ ساله مذاکره با توتال، سی‌ان‌پی‌سی و پتروپارس معطل ماند

عسلویه گرفتار بوروکراسی

مهدی افشارنیک: فاز ۱۱ پارس جنوبی سال‌هاست محل تنازع سیاسی در نفت است. دولتی‌ها اصلاح‌طلبان را متهم به تعلل ۲۰ ساله در این قرارداد می‌کنند. با اینکه بخشی از نقدشان درست است؛ اما مرور تاریخچه تعلل ۲۰ ساله و بررسی عمیق‌تر...

صفحه ۴

محسنی‌اژه‌ای:

برخی احکام جایگزین حبس معقول به نظر نمی‌رسند

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، روز گذشته (دوشنبه) طی سخنانی در جلسه مشترک شورای عالی قوه قضائیه با شورای قضائی استان‌ها که به‌صورت ویدئوکنفرانسی با محوریت بررسی روند اجرای سند تحول قضائی و پیگیری اجرای فرامین و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برگزار شد، گفت: باید از نقد سازنده استقبال کنیم...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: واکنش سازمان برنامه و بودجه به یک گزارش، واکنش وزارت اقتصاد به یک گزارش، ایرادات قانونی مصوبه جدید سران قوای سه‌گانه و یادداشت‌هایی از حمیدرضا آقابابائیان، حسین گنجی

سرمقاله

بازسازی هویت ایرانی در جهت تحکیم تمامیت ارضی

کوروش احمدی
دیپلمات پیشین

داعیه نگارنده در این یادداشت کوتاه این است که هویت ایرانی با وجود عوامل معارض وارد یک دوره احیای دیگر شده و نسل جوان بیش از نسل‌های پیشین حامل و مقوم آن است و چنین روندی بیش‌ازپیش موجب تحکیم تمامیت ارضی ایران است.

هویت ایرانی یک برساخته اجتماعی پویا با اصالت خاص تاریخی است که ریشه در حس جمعی تعلق اقوام ایرانی به یک سرزمین، یک تاریخ مشترک، یک فرهنگ به شمول باورهای دینی و یک دولت بادوام سه‌هزارساله ایرانی به‌عنوان هسته سخت آن دارد. پویایی هویت ایرانی، به نوبه خود، بازسازی آن را متناسب با شرایط متحول در هر دوره ممکن کرده است. سرزمین مشترک همیشه در کانون هویت ایرانی قرار داشته و به‌همین‌دلیل ملی‌گرایی ایرانی همواره بیشتر بر خاک استوار بوده تا بر عوامل دیگری مانند نژاد، قومیت یا سایر مؤلفه‌ها. خاطره مشترک تاریخی نیز در دو بخش اسطوره‌ای و عینی و فرهنگ و سنت‌های ایرانی که بین همه اقوام ایرانی مشترک‌اند، به‌عنوان عوامل دیگر وحدت اقوام ایرانی دو ستون دیگر هویت ایرانی هستند. عجیب نیست درحالی‌که کردهای ایرانی نوروز را همراه با دیگر اقوام ایرانی جشن می‌گیرند، کردهای دیگر کشورها با مشکل تلاش دولت‌های‌شان برای سرکوب نوروز مواجه‌اند. زبان فارسی به‌عنوان واسطه ارتباط بین اقوام ایرانی و یکی از ملاط‌های اصلی تعامل آنها تنها پرورده آنچه اصطلاحا فارس‌ها نامیده می‌شود، نیست؛ بلکه دیگر اقوام ایرانی نیز سهم کم‌وبیش برابری در غنا و حفظ آن داشته‌اند.

هویت تاریخی ایرانی ریشه در نهضت‌های فرهنگی و دینی دوران ساسانی و ماقبل آن دارد و پدیده‌ای غربی و برساخته دیدگاه‌های ناسیونالیستی قرن نوزدهمی نیست. این هویت تاریخی ایرانی از همان ادوار کهن نوعی کانون ایران‌شهری و دولت حامی آن را برکشید و سهم عمده‌ای در ساخت تفکرات ملی‌گرایانه به شکل مدرن در قرن نوزدهم داشت. این در حالی است که سابقه دولت-ملت جدید در اروپا به بعد از پیمان وستفالی در اواخر قرن هفدهم برمی‌گردد. هویت ایرانی و ایده ایران‌شهر در دوره‌های تاریخی با توالی بحران و احیا مواجه بوده است؛ به این معنی که پیوسته هر بحرانی یک رستاخیز را در پی داشته است. حمله اسکندر، تلاش امویان و عباسیان برای محو هویت ایرانی، تعصبات سلجوقیان و ویرانی‌های ناشی از حمله مغول هر بار هویت ایرانی را با بحران مواجه کردند؛ اما هر بار ایرانیان موفق به احیا و بازسازی هویت خود شدند. نمونه درخشان آن عصر طلایی ایران در سده‌های ۴ تا ۹ هجری بعد از سلطه اعراب است که به قول ابن‌خلدون بیشترین سهم را در خلق فرهنگ و تمدن اسلامی داشت. در این دوره، فردوسی با شاهنامه‌اش که در آن «ایران» ۷۲۰ بار و «ایرانیان» ۷۵۰ بار تکرار شده، می‌درخشد. این در حالی است که دیگر مردمان منطقه هویت‌های مستقل خود را فرونهادند و عرب شدند. نهایتا، ایرانیان بعد از شکست در جنگ‌های ایران و روس رستاخیز جدیدی را برای احیای هویت ایرانی آغاز کردند که در جریان مشروطیت و نهضت ملی در دوره ۳۲-۱۳۲۰ به اوج خود رسید. در این دوره، پویایی هویت ایرانی امکان داد تا هسته سخت آن پذیرای سه عنصر جدید استبدادستیزی، تجددخواهی و استقلال‌خواهی شود.

چالشی که هویت ایرانی در چند دهه اخیر با آن مواجه شده، نیز واکنش‌هایی معطوف به تلاش برای شکوفایی استعدادهای نهفته در هویت و ملیت ایرانی را در پی داشته است. جوانان دهه شصتی، هفتادی و هشتادی با وجود چالش روند جهانی‌شدن بیشترین سهم را در این تلاش‌ها داشته‌اند. آنها آنچه را که سینه به سینه از مادران و پدران خود آموخته‌اند یا در کتاب‌ها و رسانه‌های سپهر عمومی دریافته‌اند، پاس داشته و قوام بخشیده‌اند. در حواشی جامعه مدنی و در فضای مجازی شاهد این تلاش‌ها با هدف احیا و بازسازی هویت و ملیت ایرانی هستیم؛ به‌طوری‌که امروزه با محوریت نسل جوان، هویت ایرانی به‌عنوان یک پدیده پویا در حال تطبیق خود با شاخصه‌های مهم عصر کنونی مانند مفهوم شهروند، حقوق و آزادی‌های فردی، برابری و تقسیم عادلانه ثروت ملی بین اقوام ایرانی است. بازسازی هویت ایرانی به این شکل از یک سو شرایط بهتری را برای اقوام متفاوت ایرانی جهت حفظ هویت قومی خود فراهم می‌کند و از سوی دیگر موجب تقویت هویت ملی ایرانی می‌شود؛ با این درک که هویت قومی به‌عنوان یک هویت اجتماعی در تعارض با هویت ایرانی به‌عنوان یک هویت ملی نیست. با توجه به اینکه سرزمین همواره کانون اصلی هویت ایرانی بوده است، بازسازی هویت ایرانی بر مبنای شاخصه‌های مورد اشاره موجب تحکیم بیشتر تمامیت ارضی ایران می‌شود و محدودسازی از طرف دولت مرکزی را منسوخ می‌کند. امروز ما شاهد نشانه‌های بی‌شماری هستیم که حاکی از شکل‌گیری چنین روندی است.

یکی از آخرین نشانه‌هایی که در ضمن جرقه نوشتن این یادداشت را در ذهن نگارنده زد، یک مسابقه والیبال در یزد بین یک تیم یزدی و یک تیم مریوانی بود که طی آن تماشاچیان جوان یزدی کریمانه و سخاوتمندانه تیم والیبال رقیب را تشویق و از کردستان به‌عنوان چشم و چراغ ایران یاد می‌کردند. چنین شناخت، درک، همدلی و احساس نزدیکی بین اقوام ایرانی در این حد را ما در گذشته کمتر شاهد بوده‌ایم. این را ما به‌عنوان نسل‌های گذشته مرهون نسل جدید هستیم و به‌این‌خاطر باید قدردان آنها باشیم.

تأکید رهبر انقلاب بر جبران عقب افتادگی‌های اقتصادی دهه ۹۰ در دیدار تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان عرصه‌های دانش‌بنیان:

حل مشکل معیشت مردم با رشد اقتصادی سریع و مستمر

حل مشکلات محسوس معیشتی و رفاه خانوار بدون رشد اقتصادی ممکن نیست

تشریح ۴ دلیل عمده در تبیین چرایی نیاز به رشد سریع و مستمر اقتصادی

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز (دوشنبه) در دیدار صدها نفر از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان عرصه‌های دانش‌بنیان، آینده روشن کشور را نیازمند رشد سریع و مستمر اقتصادی خواندند و با اشاره به اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت در برنامه هفتم توسعه، به تبیین دلایل و الزامات رشد اقتصادی پرداختند و تأکید کردند: حل مشکلات محسوس معیشتی و دشواری‌های زندگی خانوارها، رشد اقتصادی را کاملا ضروری کرده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ابراز خرسندی از روحیه، نگاه امیدوارانه و فعالیت‌های ملموس فعالان عرصه تولید و کارآفرینی گفتند: همان‌گونه که بارها گفته شده، استعداد و ظرفیت رشد کشور با توجه به منابع خدادادی، موقعیت جغرافیایی و بین‌المللی و سیاسی و به‌خصوص نیروی انسانی، بسیار بالا و در عرصه‌هایی استثنائی است و به همین علت، آینده ملت و دورنمای پیشرفت ایران بسیار روشن‌تر از پیش‌بینی‌های کنونی است. ایشان، نام‌گذاری سال جاری به نام سال «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» را تا حدودی ناشی از دیدار سال گذشته با فعالان اقتصادی خواندند و افزودند: نمایشگاهی که دو روز قبل بازدید شد، نشان می‌داد کارهای نسبتا خوبی در زمینه شعار سال انجام شده، ضمن اینکه سخنان فعالان اقتصادی در این دیدار درباره پیشرفت اقتصادی کشور، امیدها و نویدهای خوبی می‌دهد و شاخص‌های رسمی نیمه اول سال ۱۴۰۱ هم عمدتا نشان‌دهنده حرکت و رشد است.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

«شرق» واکنش‌های خرابکارانه تل‌آویو برای پنهان‌کردن مشکلات داخلی و خارجی کابینه افراطی نتانیاهو را بررسی کرد

اسرائیل روی گسل

اوج‌گیری دوپارگی و چندپارگی سیاسی - اجتماعی در اسرائیل یک پارامتر بسیار تعیین‌کننده در کاهش توان دیپلماتیک نتانیاهو به‌ویژه در تقابل با ایران خواهد بود

گزارش تیتر یک را در صفحه ۳ بخوانید

بررسی سند مالی شهرداری برای سال ۱۴۰۲

افزایش تراکم‌فروشی در بودجه

۶

خطر افزایش بیماران روانی با تداوم کمیابی دارو

۱۰

به بهانه نودمین سالروز تولد استاد دکتر داور شیخاوندی

استادی از سلسله پاسداران فرهنگ ایران‌زمین

گفتارم را با دو خاطره و ارتباط آن با دو مفهوم و ارتباط این دو مفهوم با هم پیش می‌برم. با وجود اینکه من از استاد بسیار آموخته‌ام، اما هیچ‌گاه به‌طور مستقیم دانشجوی ایشان نبوده‌ام. آشنایی مستقیم من با آقای دکتر به سال ۷۲ بازمی‌گردد، سال اول قبولی کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبایی. می‌گویم مستقیم به این جهت که در دوره کارشناسی با کتاب‌ها و نام ایشان آشنا بودم. اما از بد حادثه، دانشگاه برای ایشان درسی تعریف نکرده بود تا بتوانیم در کلاس درس نیز خوشه‌چین دانش استاد باشیم. سال ۷۲ از سوی استادم دکتر محمد مؤمن‌کاشی که سال ۷۶ جلای وطن کرد، برای دستیاری پژوهش به مؤسسه پژوهشی سپهر ایران که دکتر سیف‌الله سیف‌الهی مدیریت آن را بر عهده داشت، دعوت شدم. طرحی پژوهشی بود درباره استان ایلام که پیش از سفر من به ایلام نشستی توجیهی با دکتر مؤمن‌کاشی، مرحوم دکتر عظیم رهین (که نازنینی بود و جامعه‌شناسی روستایی و سیاسی تدریس می‌کرد) و آقای دکتر شیخاوندی داشتم. از این خاطره یاد کردم برای دو نکته...

این گزارش را در صفحه ۱۲ بخوانید

دختران فوتسال ایران قهرمان تورنمنت کافا

۹

یادداشت

شمع‌سازی پیمان جبلی و شرکا

سیدشهاب‌الدین طباطبایی

نامه مسدودیت‌خواهانه آقای جبلی به رئیس‌جمهور درباره فیلترِ فیلیمو و موارد مشابه و مکرر ملال‌آور و محدودیت‌آور اخیر، که به نام صیانت و حمایت و... هر روز از گوشه‌ای سر بر می‌آورد و خاطر هموطنان نجیب و شریف ایرانی را آزرده می‌کند و کسب‌وکارهای فراوانی را به تعطیلی می‌کشاند، مرا به یاد عریضه معروف شمع‌سازان خطاب به هیئت دولت فرانسه انداخت. همان نامه خیالی از جانب سازندگان شمع و... که فردریک باستیا نظریه‌پرداز و اقتصاددان فرانسوی با نبوغ و دانش کم‌نظیرش برای دفاع از نظریه بازار آزاد آن را منتشر کرد.

خلاصه آن درخواست صنف سازندگان شمع، فانوس، چراغ گازی، لامپ و تولیدکنندگان بنزین، الکل، صمغ و خلاصه صنایع مربوط به روشنایی را اینجا می‌آورم و خواندنش را به آقای پیمان جبلی و امثال ایشان توصیه می‌کنم، فقط خواهش می‌کنم اگر در طول خواندن آن خنده‌شان گرفت یا تعجب کردند، به خودشان و کارهایی که در این سال‌ها کرده‌اند بیشتر فکر کنند. که ای کاش کمی به آنچه می‌کنید، فقط کمی، فکر می‌کردید.

«آقایان اعضای محترم هیئت دولت!

در حال حاضر ما از وجود یک رقیب قدرتمند خارجی رنج می‌بریم که در شرایطی آن‌چنان برتر از ما به تولید روشنایی می‌پردازد که کالاهایش تقریبا به ثمن بخس به دست مصرف‌کننده بازار داخلی می‌رسد. لحظه‌ای که او رخ می‌نماید در دم کاسبی ما از سکه می‌افتد و تمام مشتریانمان به سوی او هجوم می‌برند؛ به این ترتیب بخشی از صنعت ملی که متعلقات بی‌شمار دارد، یکباره از حرکت می‌ایستد. این رقیب بی‌رحم که کسی جز خورشید نیست، جنگ قیمت ناجوانمردانه‌ای علیه ما به راه می‌اندازد و ما شکی نداریم که توسط انگلیسی‌های خائن اجیر شده است؛ چراکه او در آن جزیره متکبر و دل‌مرده آنها به زحمت حتی پرتویی می‌افشاند، اما ما فرانسوی‌ها را بیچاره کرده است.

چیزی که ما می‌خواهیم این است که شما قانونی به تصویب برسانید که دستور بدهد تمام پنجره‌های جلویی و عقبی و سقفی، نورگیرها، بالکن‌ها، دریچه‌های ورودی و خروجی و در یک کلام هرشکاف و درز و سوراخی که از طریق آن نور خورشید وارد خانه‌ها می‌شود، مسدود شود. این کار باید به خاطر ما تولیدکنندگان و به پاس شایستگی‌ای که در همه این سال‌ها در راه خدمت و اعتلای وطن از خود نشان داده‌ایم انجام شود -پسندیده نیست مایی را که یک عمر صرف عمران و آبادانی کرده‌ایم، اینک در نبردی چنین نابرابر یکه و تنها بگذارید...

ادامه در صفحه ۸

یادداشت

آیت‌الله هاشمی و مردم معترض

محسن هاشمی‌رفسنجانی

در آستانه فرارسیدن دهه فجر و چهل‌وچهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی قرار داریم. هرچند بخش قابل‌توجهی از جامعه به‌ویژه نسل جوان، ابهاماتی نسبت به دستاوردهای انقلاب به‌خصوص در حوزه معیشتی و آزادی دارند، اما رسانه‌های رسمی بر سیاق سابق با نادیده گرفتن بسیاری از واقعیت‌ها و شخصیت‌ها به ارائه روایت مورد علاقه خودشان درباره انقلاب اسلامی و دوران‌های پرفراز و نشیبش می‌پردازند.

شاید مهم‌ترین بخش از حقایق سانسورشده در این روایت، تنوع سلایق، علائق و دستاوردهای مردم در پیروزی و تداوم انقلاب بود که اگر این تکثر و گستردگی تبدیل به یک سلیقه و قشر محدود شود، طبیعتا روح انقلاب اسلامی مسخ خواهد شد.

پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان اکثریت جامعه و اقشار گوناگون مردم را همراه انقلاب نگه داشت؟ آیا با این شیوه نگاه و عملکرد رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی ممکن است؟

ماه گذشته به مناسبت ششمین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، تعداد محدودی یادداشت و مصاحبه که به قلم این‌جانب و برخی دیگر از علاقه‌مندان ایشان در رسانه‌های مستقل و فضای مجازی منتشر شد، با عصبانیت رسانه‌های رسمی و مخالفان آیت‌الله مواجه شد و برآشفتند که چرا از هاشمی و دوران پایان عمر او می‌گویید؟ چرا نمی‌گویید که او از پیشروان انقلابیون بود، چرا نمی‌گویید فرمانده جنگ بود، چرا نمی‌گویید از اسلام دفاع می‌کرد و با رژیم صهیونیستی مبارزه می‌کرد و چرا و چرا؟!

البته که ما همه اینها را گفته‌ایم و می‌گوییم اما سؤال افکار عمومی اینجاست که چرا خودتان و رسانه‌های رسمی کشور که با بودجه عمومی اداره می‌شوند به جای روایت صحیح تاریخ و انتقال حقایق به سانسور یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های کشور و به تعبیری شناسنامه انقلاب می‌پردازند؟

این امیدواری وجود داشت که با بروز مشکلات اقتصادی، سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی، افراطیون در رویه خود تجدیدنظر کنند، اما دریغ از عبرت‌گرفتن و اصلاح روش، با فروکش‌کردن اعتراضات همچنان اشتباهات تداوم دارد.

اکنون و در فضای نسبتا آرام فعلی جامعه، جای طرح این سؤال است که چرا معترضان دوره اخیر، برخلاف دوره‌های گذشته به جای آنکه مسئولان مختلف اعم از رؤسای قوا یا فرماندهان مورد اعتراض واقع شوند، اصل نظام مورد اعتراض واقع شد و شعارها بسیار رادیکال‌تر از گذشته بود؟

برای پاسخ‌دادن به این پرسش، خالی از فایده نیست که یادی از مرحوم آیت‌الله حائری‌شیرازی داشته باشیم. ایشان به مناسبت رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، در فرصت کوتاهی که رسانه ملی در اختیارش گذاشته شده بود، در توصیف نقشی که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سال ۱۳۸۸ ایفا کرد، گفته بودند: «آقای هاشمی تلاش کرد معترضان را در خانواده انقلاب نگه دارد تا آنها گوشی برای شنیدن و شخصیتی برای گفت‌وگوکردن داشته باشند تا از نظام و انقلاب عبور نکنند». البته این بار نخست نبود که هاشمی چنین نقش اثرگذاری را برای انقلاب ایفا می‌کرد، در دوران امام که مصلحت‌های زمان جنگ و لزوم تأمین حداقل معیشت برای مردم به‌خصوص مستضعفان اولویت انقلاب و جزء منویات امام خمینی بود، لایه‌های محافظه‌کار حوزه براساس دفاع از حق سرمایه، مخالفت می‌کردند و این هاشمی بود که با خطبه‌های پرشور عدالت اجتماعی، برای امام نقش سپر را ایفا می‌کرد و مورد تهاجم و تخریب جناح محافظه‌کار قرار می‌گرفت.

در اواخرجنگ و پس از حوادث متوالی در جبهه‌ها، این هاشمی بود که خود را سپر کرد و پس از اینکه امام خمینی قانع شد جنگ قابل ادامه نیست، هاشمی داوطلب محاکمه و اعدام شد تا امام و انقلاب حفظ شود.

در دوران سازندگی و بازسازی که کشور نیاز به سرمایه‌گذاری و فناوری و تجهیزات داشت، این هاشمی بود که خود را سپر توسعه ایران کرد تا افراطیون و مخالفانش در دو جناح که خواستار ماجراجویی و تنش‌زایی بودند، به خاطر تنش‌زدایی و صلح‌طلبی هاشمی او را مورد تهمت و تخریب قرار دهند و نمونه‌هایی از این دست فراوان است.

به‌طور کلی می‌توان گفت وقتی هرم نخبگی در جامعه و شخصیت‌های میانجی میان قدرت و مدنیت، حذف شده یا به حاشیه رانده می‌شوند، اعتراض‌ها در محور و مرکز نظام متمرکز می‌شود درحالی‌که در شرایط طبیعی و توزیع متعادل قدرت و پاسخ‌گویی مسئولان نسبت به جامعه، هر مسئولی در سطح خود پاسخ‌گوست و این اتفاق نمی‌افتاد که به‌یکباره همه سطوح مسئولیت در حاکمیت کنار برود و اصل نظام هدف قرار گیرد.

اگر اجازه داده می‌شد نخبگان سیاسی، فرهنگی و مذهبی نقش خود را ایفا کنند، قطعا تعامل و اثرگذاری جامعه مدنی و احزاب موجب می‌شد بار مسئولیت و پاسخ‌گویی در جامعه توزیع شود.

ادامه در صفحه ۸